

جنگِ دہ سالہ

یا

جنگِ اولِ ایران - روس

« معاہدہ گلستان »

۱۲۱۸ الی ۱۲۲۸ھ

۱۸۰۳ء تا ۱۸۱۳ء م

تألیف

جمیل - قوزانلو

حق تألیف منحصراً مؤلف است

مطبعہ طلوع

۱۳۱۵

جنگ ده ساله یا جنگ اول ایران با روس

« عهدنامه گلستان »

« ۱۲۱۸ هـ . الی ۱۲۲۸ هـ ۲۹ شوال

« ۱۸۰۳ م . الی ۱۸۱۴ م ۱۲ کتبر

تالیف

حمید قوزانلو

معلم تاریخ و جغرافیای نظامی

(نام سرمایه شعبه کتابخانه ترقی طبع رسیده)

طهران — ۱۳۱۰

چاپخانه « مرکزی » طهران



مؤلف کتاب : جمیل - قوزاڻلو
« معلم تاریخ و جغرافی نظامی »

۹۵۲
فوز

- دیباچه -

پس از طبع دوم کتاب «حک تر کمین جای» در یکسال قبل دیده شد که قارئین زیاد از هم به آن مایل اند «جنگهای گلستان» را هم بخواهند. بناء علیه این تمایل که حاکی از علاقه مندی قارئین نگدشه ها شان بود، فنده را بر آن داشت که بردهای بر افتخار را باسم حک ده - اله جمع آوری نموده طبع برسانم چون مؤلف حقیر صاحب سرمایه نمیشد لذا با سرمایه شعبه کتابخانه ترقی طبع رسید. شکی نیست که این کتاب عاری از نواقص نمیشد ولی امیدوارم که با تکمیل وسائل در طبعهای دیگر از نواقص آن بکاهد و خود کتاب هم کاملتر گردد.

مؤلف نظامی
جمیل - فوزانلو

۳۰ - خرداد - ۱۳۱۵

- طهران -



جنگ ده ساله؟

یا
جنگ اول ایران با روس
در سال

۲۵۲۲

۱۲۱۸ ه. الی ۱۲۲۸ ه.

۱۸۰۳ م الی ۱۸۱۳ م.

فصل اول

مبحث اول -- وضعیت عمومی طرفین

علت جنگ ده ساله در اواخر سال یکهزار و دوست هجده
هجری وضعیت سیاسی ایران با دولت روس

بر سر مسئله گرجستان خیلی سخت شده و نفوذ دولت امپراطوری
روسیه قسمت شمال و مخصوصاً نواحی شمال غربی ایران را کاملاً تهدید
مینمود. آلکساندر اول امپراطور جدید روسیه در صدد برآمد که ناحیه
کنجه، کوکجه گول قره باغ و طالش شمالی را برای حفظ
نواحی بادکوبه و گرجستان و سواحل بحر خزر تصرف نماید. لهذا
در تاریخ ۱۵ ماه ذی قعدة یکهزار و دوست و هجده، بدون مقدمه قوای
روس در تحت فرماندهی «ژنرال لازاروف» بشهر (کنجه) تعرض

نموده (۱) اهالی آنجا را قتل عام کرد. در این موقع نیز اهالی کرخستان بفرق دولت متبوع پیشین خود افتاده اند و به دولت ایران متوسل گشتند و از پادشاه ایران کمک خواسته و او را دعوت به تسخیر گرجستان نموده اند. پادشاه ایران هم که گرجستان را حق ایران میدانست و از قتل عام شهر گنجه هم برآشفته بود، لذا دعوت گرجیها را پذیرفت و این مسئله ناچار به جنگ میان روس و ایران منجر شد که تمام ده سال طول کشید. حرب میان ایران و روس با مقدماتی که گفته شد طبیعی و قطعی بود ولی امید پادشاه ایران همواره آن بود که در این جدال شاید بتواند یکی از دشمنان آن روزه روسیه را با خود شریک سازد اما وقتی اقداماتش بجائی نرسید، ناچار تنها قدم در این میدان گذارده به تسخیر کشور گرجستان کمر بست تا نواحی گنجه و قره باغ را از حمله روسها حفظ کند. بنا بر این نیت دولت ایران در این جنگها هم دفاع مملکت بود و هم مبارزه با کفار... خلاصه علت مستقیم جنگ های ده ساله، تعرض ارتش روس به قفقازیه جنوبی بود. آمدن ارتش روس بدون مقدمه بخاک ایران باعث اشتعال نائرة حر گردید.

اما علی هم که در همان قرن سواران و سرکرده های سرحدی

(۱) — ارتش روس « آهنگ تسخیر گنجه نمود و قلعه گنجه را

« محصور داشت جواد خان قاجار حاکم گنجه صورت حال را بدست سفیری اباده

« حضرت پادشاه داشته خود با جماعتی که داشت ارقاعه بیرون شده کمک پیوست

« نصیب بیک شمس الدین لو و آرامه گنجه در میدان کمک جواد خان را گذاشته

« با روسیه پیوستند ناچار جواد خان محاصره افتاد و روسیان ... »

ایران را بگرخستان و ناد کوبه میکشاید . از اسباب موجبه جنگ ده ساله شمرده میشود . مانند شوق اهالی قره باغ و شوره گد و گرجستان به کشت و گذار در قحط ندیده و نشناخته و اشتیاق آنها به حوادث تازه و شور معارنه و امید کسب تمول در شمال که در آن زمان ثروت مشهور بود و بر سر گردگان سرحدی و علما طالب جنگ بوده اند . تحریکات اجانب نیز به این آتش سیاسی دامن میزد و تعرضات نیروی روسیه بسندهای مختلف و قتل عام نواحی گنجه و وضعیت سیاسی بالاخره دولت ایران را مجبور کرد که بر ضد اقدامات عملی روسیه اعلان جنگ دهد .

تجهیزات و جمع آوری قوا

روز شنبه بیست و هفتم
ذیحجه ۱۲۱۸ هـ فرمان

تجهیزات و جمع آوری نیروی کشوری صادر شد . تومانی اول و دوم بطرف مراکز عمده سوق الحبشی منطقه آذربایجان و حوضه وسطی رود ارس حرکت کرده اند . (عباس میرزا را کار سخت شد ، زیرا تقریباً جزء (۷۰۰۰۰) سرباز نداشت و با این عده باید در برابر (۵۰۰۰۰۰) هزار نفر که فرمان « ژنرال ایشپخدر » بطرف حوضه ارس پیش می آمد ، صف آرائی کنند (۲)

در آن ایام ارتش حاضر السلاح به استثنای يك هنگ وجود نداشت

(۲) — در این وقت ژنرال ایشپخدر بحکم قرا باغ و ایروان رسول فرستاد و ایشان را باطاعت خویش دعوت کرد و حکام آن اراضی چون حدوث این فتنه را اوان ماطله در گذاشتن

ار کتاب ناسخ التواریخ صفحه ۶۶ سطر ۲۸ و ۲۹

لکن بموجب قانون در هر ارتش گشوی جمعی از اهالی زیر اسلحه
میرفتند. خدمت سربازی قاعدتاً بر عموم مردم آزاد فرض بود نظامنامه
ثابت و لباس نظامی يك حورهم در میان نبود، لکن مقتضای خصوصیات
هر ولایات و هر پیش آمد مقررات هر سال عوض میشد بنا بر این
تجهیز و تمرکز نیروی مملکتی کمال اشکال را داشت

(تومان اول) که اساس ارتش را تشکیل میداد، هنوز جوان
و از هر گونه لوازمات جنگی محروم بود افواج محلی که نه اسلحه
داشتند و نه لباس بطور غیر مرتب در جنگه ابهر تمرکز یافته از
حوایان و از اشخاص قوی انبیه تومان دوم تشکیل و با اسلحه ناقص
که کاملاً از تنگهای چاخماقی و ساخت استادان مختلف بود، مسلح
گشته و در تعقیب تومان اول شهر تبریز حرکت نمود و در آنجا
محدداً تسبیق شده سمت حوضه ارس رهسپار گشت. سوای این دو
لشکر افراد ارتش اغلب دسته دسته، هنگ هنگ میآمدند نه تنها آنها و
هر دسته بیرون از دمال رئیس روان بود که عنوان سر کرده داشت. اما
افراد و افسران توپخانه از قدیم دارای نظم و ترتیبی بوده و از فن
خودشان اطلاعاتی داشتند. واحد توپخانه فوج بود شانزده توپ يك
هنگ و دو توپ يك دسته را تشکیل میدادند تناسب صنوف اصلا وجود
نداشت. کلیه سواران ایلات دسته جات سوار نظام ارتش را تشکیل
میدادند که این سواران در تحت فرماندهی خوانین خود شاه بوده اند
سواران بحرج خود مسلح شده اسب و مجارحات آنها باسران ایل بود.
اغلب سواران فقط با اسلحه سرد مسلح بوده اند از طرف دولت به

سورانی که در خدمات توپخانه شرکت میکرده اند ، تفنك فتيله دار داده
میشد و گاهی هم بسر دسته ها میدادند این تفنك ها در هر دقیقه يك تیر
خالی میکردند . از این لحاظ بود که تجهیز و جمع آوری قوا خیلی
به تأنی پیش میرفت . جمع آوری و تحشید قوا در حوضه ارس ماهها
طول کشید . برای حمل و نقل دواب لازمه بدست نیامد افراد هنوز به
صحنه جنك نرسیده گرسنگی میکشیدند . ترتیب و تنظیم نقلیه بکسی
محول شده بود که ابدأ از این کار اطلاعاتی نداشت .

نقشه جنگی روسیه ، هرچه زودتر
از دوست بسرعت پیش رفته حوضه

طرحهای طرفین

وسطی رود ارس و تصرف و بغوریت معابر آن رود را بدست
آورده از آمدن ارتش ایران به نواحی کر - قره باغ - شوره گل
و نادرکوه ممانعت نماید .

اما طرحهای ایرانیان این بوده است که زودتر به نواحی قره
باغ رسیده گنجه را از دست روسها پس گرفته ، بعد بطرف شهر
تفلیس تعرض نمایند . با وجود اینکه وضعیت صحنه جنك با چنین نقشه
مواقفت نمیکرد ، نازسرا ن سیاه ایران در این طرح اولی اصرار داشتند
بنا بر این جهت انجام این طرح کلیه ارتش مملکتی را که برای این
جنك مهم احضار و تجهیز گشته بود به دو اردو تقسیم و هر دورا در روی
يك خط سوق الجیشی حرکت داده ، نظر دشمن را يك طرف جلب
نمایند . بموجب این نقشه اردوی اول از لشکر دوم و اول و اردوی
دوم که « اردوی سرکردگان » موسوم گشته بود ، از افواج محلی و

سواران ایلات و مجاهدین تشکیل خواهد شد. راجع به اوضاع سیاسی صحنه جنگ و طرز دفاع قلاع نظامی منطقه شوره ککل و مخصوصاً از برای محافظت معاصر رود ارس، هیچ نقشه ای ترتیب نشده و استفاده از سواران شخصی خانان مستقل قفقزیه هم طرح ریزی نشده بود. در آن دوره در ارتش کشیها مسئله آذوقه و علوفه و آب از هر چیز مهمتر و قابل ملاحظه تر بود. بدین جهت جنگ شوره ککل در اولین نظر از برای تمرکز و تحشید نیروی مقدم همین گردید در حین تمرکز نیروی تقسیم و تعداد توپ نسبت به اهمیت هر یک از مناطق جنگی بسیار سخت شد. گذشته از این اغلب توپها سنگین و استعمال آنها در اراضی کوهستان بسیار مشکل بود با وجود این آنچه توپ در منطقه آذربایجان موجود بود، ساحل ارس فرستاده در پل خدا آفرین و قریه کرکر گذاشته شدند پنجاه رأس گاو میش و سیصد رأس اسب و یکصد و پنجاه گاو جهت تهریک این توپها تهیه شد.

میدانهای حری این جنگ بطور کلی از	میدانهای
اراضی کوهستانی و جلگه‌های وسیع و پستی	صحنه جنگ
تشکیل مبات که حدود شرقش دریای خزر	
و ریگزارهای بنام کوبه و حد جنوبش رود آران و گربوده و حدود	
غربی آن بسرحد کشور عثمانی میرسید. این حدود را بعدها سرحد	
طبیعی ایران امیدند. سلاطین قدیم روسیه مدتها به این خیال بوده‌اند	
که قلمرو سلطنت خود را در سمت جنوب تا به حوضه رود آراس بسط	
داده بدین ترتیب راه وصول به دریای فارس را کوتاه‌تر نمایند. این	

فکر مدتها، بنای سیاست خارجی سلاطین مزبور و منشأ بسیاری از جنگهای آسیای مرکزی ایشان گردید. صحنه جنگ مزبور با این حدود، حوضه کر. ناحیه قره باغ، فلات کوکجه، نصف جلگه شور. کسل. و قسمت شمالی حوضه رود ارس و سواحل بحر خزر را شامل میشد. تاریخچه جنگی این منطقه از زمان ظهور سلسله صفوی شروع میشود. در آن قرن وضع جغرافیائی این نواحی با وضع سنه ۱۲۱۱ هجری تفاوتی نداشته و تقریبی همین کوه و دشت و همین انهار و سواحل بر جای بوده. لکن صورت خاک اغلب قسمت‌هایش بوجه دیگری جلوه مینموده زیرا جزء عمده جلگه و کوهستان را جنگلهای عظیم کاج. نع. بلوط، چینار میپوشانده است چنانچه در سال ۱۲۱۸ ه. نیز آنچه جنگل در حول و حوش (کوکجه کول) و سایر نقاط پدیدار است از بقایای جنگل کهن سال سر زمین قره باغ میباشد در موقع این جنگ در زمینهای جنگل دار، گاهگاه دنباله درختها قطع میشد و زمین همواری بدید می آمد جای اینگونه زمینها بیشتر در جنوب (گنجه) و در حوالی (کوکجه کول) بود اما در حوضه‌های رود خانه‌ها از جنگل اثری نبود.

از این صحنه جنگ دو راه عمده سوق الجبینی عبور میکرد و آنها نیز چندان قابل عبور صنوف مختلفه ارتش نبودند يك از این راه پس از آنکه از پل خدا آفرین میگذشت از راه قره باغ بسمت شمال امتداد یافته از قوه شوش گذشته وارد گنجه میشد و از آنجا سمت خود را بطرف مغرب بر گردانیده بطرف شهر تهلوس امتداد مییافت

اما راه دومی از راه شاه تختی شروع و از وسط جلگه شوره کل عبور و پس از گذشتن از شهرهای نخجوان و ایروان و کمری بطرف شمال کشیده شده وارد شهر تفلیس میشد. آنوقت هاهم مثل زمان حالیه نگاهداری سرحد موقوف براه بود. تا ارتش را سهولت بتوان از نقطه ای به نقطه دیگر برد. ارتش های روس در اوایل شروع بوقایع سیاسی يك قسمت جنگلها را سوزانده و شکافتند (۳). در بعضی دره ها بلها بستند و راههایی محکم تر از آنچه وداحداث نمودند سوای از دور راه عمده سوق الجیشی، پنج راه فرعی هم از آنها جدا شده بطرف شمال و مشرق و مغرب رو میآوردند این خطوط در جنب رود (کر) بجنگه (آجیق یازی) منتهی میشد. در ساحل بحر خزر به لنگران میرسید و در حاشیه جایکه شوره کل سواحل رود خانه آرپه چای ختم می گردید علاوه بر این به خطوط راههای پیاده رو منشعب میشد. (۴)

پس از ذکر اوضاع طبیعی این صحنه جنگ. میتوان بوسعت فضائی که برای جدال ارتشهای طرفین لازم است بی برد. در سال اول جنگ جبهه سوق الجیشی محاربین از رود خانه (آرپه چای) تا محل تلاقی رود های آراس و کر تقریباً (۲۰۰) کیلومتر بود. ولی در سال سوم جنگ و بعد ها از سرحد قدیم عثمانی تا به دریای خزر امتداد یافته و تقریباً به (۷۰۰) کیلومتر بالغ گردیده و میدان جنگ هم بهمین میزان توسعه یافته بود. در این تاریخ دولت روسیه از طرف شمال شرقی با خاك ایران

(۳) - اقتباس از جغرافیای اریخی ایران و نقشه ققازیه و جغرافیای روسیه.

(۴) - از کتاب اسمر وف واحد مختار یاشا اقتباس گردید. ج - فی

ارتباط نداشت زیرا که روسیه هنوز صحرای قره قوم و ترکمنستان و حوضه جیحون را ضبط نکرده بود.

جنگ اول ایران - روس خیلی پیش از آنکه

ملت جنگ

حدس زده می شد ، بطول انجامید چه متفقین

و فتحعلیشاه گمان میکردند که در مدت چند ماه کار روسها را یکسره

کرده بشهر تفلیس میرسند و نیز تصور میکردند که وضعیت سیاسی و

جنگی روسیه در مملکت لهستان لطافه بزرگی خورده و نیز سیاست آنها

در مقابل ناپلئون ضعیف شده پنداشتند . ولی پس از آنکه این جنگ

شروع شد معلوم گردید که علل نظامی و سیاسی و روحی اشکالات

اقتصادی چندان مؤثر واقع نشد و پس از سه سال کاملاً ثابت شد که

نیروی متقابل میتواند مدت مدیدی بچنکند و در میزان و متیاس باقی

بمانند تجرب به هائیکه برای مغلوب کردن خصم در سال پنجم و ششم و

بلکه سال هفتم با ارتش زیاد بعمل آمد ، غیر از تلفات فوق العاده

چیز دیگری نبخشید . از نقطه نظر سیاسی دخالتهای انگلیس و بعدها

معاونت و تحریکات دولت فرانسه و وعده های بلا نتیجه دولت سلطنتی

عثمانی ، بتوسعه صحنه جنگ و مدت جنگ می افزود . بالاخره از لحاظ

روحی توسعه و شدت محاربه جلدی رسیده بود که هر یک از محاربین

به اهمیت حیاتی و تأثیرات عمیقی که نتیجه حاصله در سر نوشت هر مملکت

و دولت خواهد داشت . پی برده و هر فلاکت و محرومیت را برای

رسیدن با مال خود تحمل مینمودند .

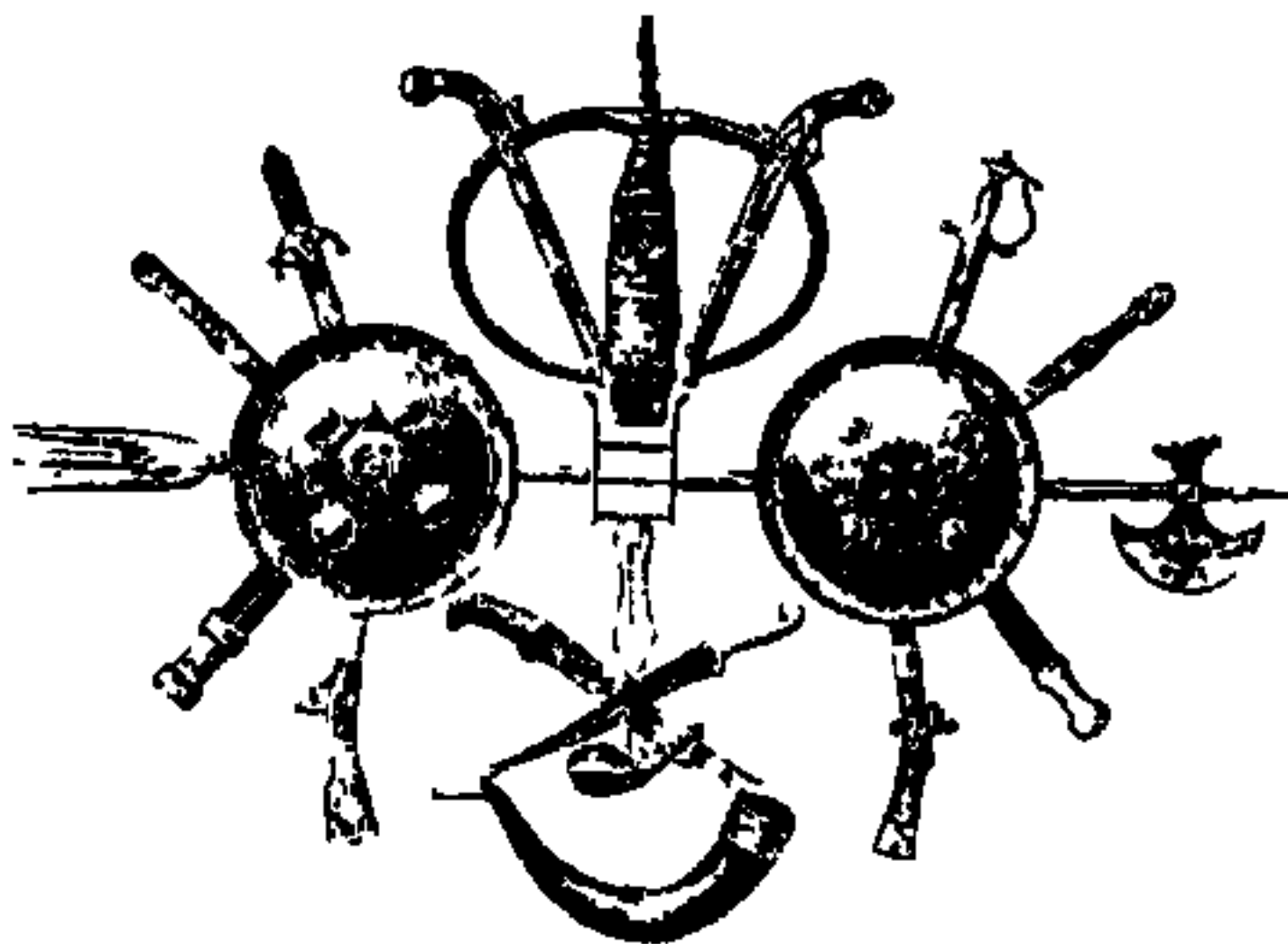
وعده دولت پراطووی فرانسه و بعد مغلوبیت ناپلئون در حبه های

اروپا جنگ ایران را طولانیتر کرده ، مدت ده سال ارتش ایران در يك منطقه محدودی جنگید که ، بعدها جنگ مزور اسم (جنگ ده ساله) معروفیت پیدا کرد که اولین جنگ طولانی قطعه آسیا محسوب میگردد ..

تلفات و ضایعات طرفین

بر خلاف پیش بینی هائیکه راجع طول جنگ تصور مبرقت با پیشگوئی تلفات مافوق آنچه در حقیقت مشاهده گردید بعمل می آمد .

معهدا باید دانست که هم به مغلوب و هم طرف فاتح پس از ده سال جدال تلفات زیادی وارد آمد در جنگ ده ساله دولت ایران قریب



شاید هائیکه در تاریخ ۱۹۰۰ م

یکصد و پنجاه هزار مقتول داشت که با تعداد تفرات و رعایائی که از کار افتاده اند تلفات ایران را میتوان دویست هزار نفر تمام دانست تلفات

روسها نیز دویست هزار نفر تخمین می شود ، به علاوه دولت ایران دو میلیون از اهالی قفقازیه و پنجاه هزار نفر طالبی را از دست داده پس از ده سال جدال کلیه میداهای صحنه جنگ طرفین منظره وحش

ورقت آوری بخود گرفته بود. اهالی محل در این ده سال هستی خودشان را از دست داده برای نزدگاری دانه گندم، حبه حبوبات باقی نمانده، اغنام و سایر حیوانات اهالی این منطقه بکلی محو و نابود شده بوده اند، مهاجرت هائیکه هر سه طرف شده است موجب تخلیه منطقه مذکور گردیده بود.

جنگ ده ساله با کمال سبیت اجرا شده و حتی غالباً از قتل و غارت و تخریب فروگذار نگردید چنانچه در موقع مذاکرات صلح در قریه «گلستان» نماینده طرف فاتح مطالبه خسارت ده میلیون منات میکرد در صورتیکه دولت ایران خسارات خود را به پنجاه میلیون تومان بالغ میداند علاوه تقصاتی که در ظهور جنگ طولانی در عایدات فلاحتی بعمل آمده و تقریباً صدها هزار تقلیل در موادین سنوات حرب نسبت بگذشته مشاهده شده است باید بشمار آورد.

بواسطه ظهور این جنگ عظیم در قسمت سرحدات شمال شرقی ایران نیز قتل‌های زیادی بوقوع پیوست که تقریباً از تلفات منطقه شمال غربی کمتر نبود چه دولت خیره و بخارا از وضعیت سیاسی ایران استفاده کرده سواران ترکمن و اوزبک را بطور غیر مستقیم تحریک و برای غارت و تخریب منطقه شمال شرقی ایران مساط ساختند. در مدت طول جنگ ایران و روس تهاجمات اوزبکها و تراکمه ادامه داشت. چندین هزار سوار غارتگر در واحی خراسان - الهی دراز به یغماگری مشغول بوده و طرق تجارنی بین چین و ایران را که سالهای سال در حر بان بود کلی قطع و از آن تاریخ بعد دیگر این طریق تجارت ابداً مفیوح نگردید.

مبحث دوم - سال اول جنگ

۱ - تعرض روسها بشهر گنجه

روز سوم ماه شوال ۱۲۱۸ هـ حاکم و فرمانده ساخلوی شهر (گنجه) که اصلاً قفقازی بود، مجمعی از اهالی شهر در سربازخانه (قره‌یازی) منعقد نموده مشغول مذاکره و وضعیت گرجستان و تجمع ارتش روس در قرب ناحیه گنجه بوده و با حضور علماء و امنای دین و سرکردگان قره باغ شرحی از صدمات مسلمانان تفلیس و سایر نقاطی که از طرف روسها استیلا گردیده است بیان کرده و مسلمانان را دعوت نمود که اسلحه بردارند و صدها هزار مسلمان را نجات دهند و در پایان مذاکره از وضعیت قاعه و کم بودن ساخلوی آن صحبت میکرد که ، عفلتاً تو بهای روس از خارج شهر صدا کردند . فی الفور حضار پرچمی ترتیب داده بکماک مستحفظین قاعه شتافتند .

آنروز تاغروب توپخانه روس شهر و قلعه را از بلندترین نقاط واقع به توپ بسته ، در نقاط مختلف ایجاد حریق نمود . پس از باردمان سخت ، روسها به خندقهای ایرانیا شروع به تعرض نمودند - بعزت مقاومت جدی ایرانیا ، فرمانده قشون روس دستور میدهد که در تمام جبهه بطور یک نواخت حمله نکنند ، زیرا باین ترتیب در همه جا ضعیف خواهند شد . بلکه باید نقاط خیلی مهم خط محاصره را در مدنظر گرفته و تهاجمات را به روی جناحین نبرد بسط بدهند ، در خلال این اوقات تیراندازی توپخانه روس روی جبهه های سربازان ساخلوی شهر و به جبهه اهالی

گنجبه بطور فوق العاده شدت یافته ، در هر دو جبهه خسارت عمده وارد آورد . محاربه آن به آن شدیدتر میشد . بر دی که ژنرال «ایشیخدر» اداره کرد ، در تمام محیط گنجبه چنان وسعت و شدتی پیدا کرد که ، نزدیک بود مقاومت ایرانیها در هم شکنند تمام نه ساعت تعرض و هجوم و حمله روسها دوام کرده . الاخره روزهم پایان رسید ، تاریکی شب همه را احاطه نموده صدای توپ و تفنگ کم کم زائل گردید .

از نصف شب به آن طرف باز تهاجمات پیاده نظام روس شروع شد . سرمازان ایرانی موفق شدند در خندقهای (باغلا رباشی) حملات روسها را دفع و . و وقیبت خودشان را حفظ کنند ولی در جبهه جنوب اهالی و مجاهدین نتوانستند ، از تهاجمات شدید روس جلوگیری نمایند . رحمت و هزیمت ابتدا از این نقطه شروع شد در این بین دو دسته سربازی که تا آن موقع در احتیاط بوده اند با نظر به اطاعات مساعدی که به آنها رسیده بود ، حکم گرفتند که به جبهه جنوب حرکت نمایند . اما موقعیکه به میدان نبرد مجاهدین در رسیدند ، حفره هائیکه بوسیله گلوله های توپ در سرتاسر زمین ایجاد شده بود ، باعث ترس آنها گردیده و فریاد و فغان اهالی و داد و فریاد زنان و بچه گان روحیه آنها را نیز منکسر نموده ، آطوریکه میبایست بسمت دشمن تعرض کنند ، نتوانستند . ولی ظلمت شب قدری از پیشرفت روسها بکاست .

از صبح چهارم ماه شوال متعاقب پیشرفتهائیکه حاصل شده بود ، ژنرال ایشیخدر دستور کلی داد که به تکمیل و وقیبت پرداخته و در هر

دو جناح نبرد را بسط بدهند. کمی قبل از طلوع بازهنگهای روس شروع
بتعرض نموده اند. حمله ارتش روس در اثر حملات متقابله ایرانیاں قدری
ضعیف شد ولی بزودی تقویت یافته باز حمله کردند این هجوم را هم
فوج گنجه در سایه جسارت رئیس هنگ دفع نمود.

جواد خان فرمانده هنگ شهر گنجه مردی رزم آزما و کشور
گشا بود، چنانچه در چهل و هشت ساله خود لااقل پانزده بار محاربه
کرده است. اما این نبرد نظیر معاربات پیش نبود که مرکب از یک
رشته تپاول و تاراج و منظور عمده آن غنیمت باشد. بلکه عموماً
جهات مذهبی و سیاسی و ملی باعث آن میشد. فرزند جواد خان که
رئیس مجاهدین محله پائین بود، در سر کوچه مسجد عباسی جلو
تهاجمات روسها را گرفته شمشیر بدست به آنها حمله نمود. دسته
علما با مجاهدین یکی شده در سر کوچه ها سفت جلو روسها را
گرفتند. دشمنان که آنان را دیدند دانستند که همه دل به میرک بنهاده
اند و این بود تفنگ ها و شمشیر های خود را محکم بدست گرفته به
تیر باران پرداختند ولی مجاهدین از هم جدا نشده و با دسته ای علما
خود را همچنان فشرده بهم نگاهداشته بسوی دشمن دویدند و حربه
های آنان را از دستشان ربوده با حربه بسر و رو سیخه و شانیه آنان زدند،
بسیاری از ایشان را به خاک انداختند ولی روسها هم دلیری کرده کینه
باز می جستند و شمشیر هارا بدست لخت خود گرفته جلو میرفتند در
این اثنا چهار فوج قزاق به آنها کمک رسیده نبرد بایک شدت فوق العاده
دوام کرد. روسها بسیاری از علما و مجاهدین را بکشتند. نیزه، شمشیر

قعه، کارده، چاقو بکار میبردند. در این میان توپچیهاییکه از قلعه های اطراف رجعت کرده در نیمه راه شهر نگران ایستاده چشم به راه مجاهدین داشتند ولی چون فریاد و غوغا را در نزدیکیهای مسجد شنیدند و نیز یکنفر امر بر نزد ایشان آمده و چگونگی وضعیت را خبر داد از این جهت آنان نیز بیدرنگ بسوی قتلگاه دویدند که به یآوری نمایند و چون بدانجا رسیدند، از عقب سر با شمشیر به روسها حمله کردند. کشت و کشتار به آخر مرحله رسید. و کمی قبل از طلوع آفتاب، مجاهدین دور مسجد کاملاً بقتل رسیده و يك عده از علما و اهالی شهر بطرف تپه های شمالی شهر، یعنی بمخطوط دفاعی سربازان فوج گنجه رجعت و پس از رسیدن به آنجا مجدداً حالت دفاعی بخود گرفته باز بادشمن داخل مقابله شده اند.

بعد از این جدال ارتش روس، فوج فوج از هر سمت وارد شهر شده اند و خونریزی سختی بر پا گردید، قزاقهای روس شمشیر بدست، نیزه آویزان به بازو از هر سوی میتاختند و خون مقتولین تازانوی آنها میرسید، تقریباً ده هزار مسلمان در قرب مسجد قتل عام شد و هر کس در آنجا راه میرفت پایت را خون میگرفت. از اهل شهر هیچ کس جان نبرد و حتی زن و اطفال خرد سال را هم معاف نمودند. . . . پس از کشتار نوبت بشارت رسید. قزاقها چون از خونریزی سیر شده اند، به خانه ها ریختند و هر چه بدستشان افتاد ضبط کرده اند. . . هر سرباز روس بهر جا وارد شد آنها ملك مطلق خود میدانست. . . و این رسم چنان ساری بود که، گوئی قانونی است که باید موبه مو رعایت شود. . .

لیکن در این بین دهقانان اطراف گنجه بشهر هجوم آورده از روسها کمی انتقام کشیده اند ، اما چون عده آنها کم بود بزودی مهو و نابود شده اند . و شهر از ایرانیان خارج شد

روز چهارم ماه شوال ۱۲۱۸ هـ محاربه در بین کوچه های شهر گنجه دوام داشت . بالاخره کمی قبل از غروب آفتاب آخرین ضربت مهیب ایرانیان بعدم موفقیت منجر و تعرض روسها که بس از تحلیل بردن نیروی ایران با وسائل بهتری از حیث اسلحه و نیرو در تحت مدیریت دقیق فن نظام ژنرال ایشپخدر اجرا میگردد ، ایرانیها را مغلوب و تمام اهالی شهر بدون استثنا قتل عام گردید .

روسها در این شهر بقدری سفاکی بخرج دادند که نمونهُ محشر گردید گذشته از قتل عام و غارت عمومی مسجد های مسلمانان با خاک یکسان گردید .

۲ - سال دوم جنگ

عزم فرمانده ارتش روس بر این بود که پس از
تعرض روسها
به حوضه آرس
ضبط قلعه و استحکامات شهر گنجه از سه راه
شروع بتعرض نموده قبل از تجمع ارتش ایران
در حوضه سفلی رود آراس ، معابر آن رود خانه را متصرف گردد .
ولی برای عملی کردن این مقصود بیش از شصت هزار نفر سرباز لازم
بود که هنوز این نیروی کاملاً مجتمع نشده بود . اما تا آخر ماه شوال
قوای روس به پنجاه و دو هزار نفر رسیده و این نیرو و ژنرال ایشپخدر

سه ستون تقسیم کرد. ستون اول را از کناره غربی بحر خزر بطرف
مصعب رود کر و ارس فرستاد و ستون دیگر را مستقیماً بطرف جنوب
یعنی بسمت قره باغ متوجه ساخته و خودش هم فرماندهی ستون سوم
راه حوضه (آرپه چای) که قلاج تلاته ایران در آن حوضه واقع بوده
اند، پیش گرفت .

در خلال این اوقات وضعیت و موقعیت ایرانیان بقرار ذیل بود :
ارتش ایران هنوز دوره تجمع و تجهیزات خود را بشمار نکرده
و معابر رود ارس و راه مستحکم ساخته بود . ولی در وسط صحنه جنگ
قلعه های (لنکران) و (شوش) و (ایروان) از قدیم الایام همیشه
ساخته های معین داشته و نواحی سرحدات را با این عده ها محافظت مینموده
اند . بنابراین جاو تهاجمات ارتش روس را در دوره اول جنگ فقط
این ساخته ها میتوانند بگیرند ، در صورتیکه اینها هم بسیار ضعیف و
از قورخانه و اسلحه در مضایقه بوده اند ، ولی چاره جز این نبود زیرا
که تجهیز و تجمع نیروی دولتی در حدود ارس تا دوماه دیگر مقدور
نبود . اینک ژنرال (ایشپنور) از این وضعیت استفاده کرد دستونهای
خود را به روی هدفهای مجتبه اعزام داشت .

روز ۹۰ محرم ۱۲۱۹ : سه ستون روس از محل تمرکزات
خود راه افتادند .

از تصرف و تاراج معابر سر راه قفقاز به خوبی پیداست که افکنار
بکلی عوض شده و ایماز بوسهت و طلب مردم نسبت گردیده بود . با
این وجود ، مصلحت جنونین در سر راه بوقوع پیوست . لکن در این

معاربات شکست همواره نصیب اهالی سر راه بود .

ستون اول روس که در کنار غربی ساحل دریای خزر حرکت میکرد ، هر چه در سر راه دید شکست داد و پیش رفت و در اواسط ماه ذی الحجه به مصب رود کر رسیده و در آنجا توقف نمود .

ستون دوم بزحمت هر چه تمام جبال قره باغ را که در بلندی با سایر کوههای قفقازیه همسر مینمود ، پیموده و در محیط قلعه شوش سر در آورده . در اینجاشهر و قلعه شوش که در کنار کوه پانزده برج در اطراف آن جای داشت راه را بر ستون مذکور سد کرده . ارتش روس بمحاصره قلعه شوش پرداخته دو هفته در جلو استحکامات آنجا معطل شد و چیزی نمانده بود که بکلی نابود شود . زیرا فوجهای محلی فرّه باغ از خارج رسیده آنها را میان دو آتش گرفت ، لیکن در این موقع پولکونیک لیانوف که از کلیه رؤسای ارتش قفقازیه روس کاری تر و مدبر تر بود یکی از استحکامات شوش را بجبله گرفت (۲۹ - محرم - ۱۲۱۸ هـ) . دو گردان پیاده را در آن پناه داد ولی بالاخره مجبور شد استحکامات مذبور را تخلیه نموده عقب برد . بیکری یکی قلعه شوش با کمال جسارت جلورفته تمام دروازه های قلعه را بوسیله مستحفظین کاری بروی روسها مسدود ساخت .

ستون سوم نیز در این اثنا راه زیادی را پیموده به اولین حوضه آرپاچای رسیدند در آخر ماه ذی الحجه بمحیط قلعه (ایروان) مواصلت نمود . محاصره قلعه مربوط بواسطه کم بودن وسائل لازمه و مخصوصاً کمی آذوقه و دواب میسر نشد . بنابراین ژنرال ایشیخدر بوسیله

رشو، و وعده‌های زیاد، اغلب از خوانین شوره کدل را بطرف خود جلب کرد، کمی مانده بود که بیکار یکی قلعه ایروان را هم بطرف فداری خود جلب نماید ولی وضعیت صحنه جنگ در سمت جنوب افکار باطله آنان را بهم زده، امیدی برای مدافعین قلعه تولید نمود. خلاصه در آخر ماه ذی‌الحجه وضعیت نیروی روس بقرار ذیل بوده است.

فرماندهان ستونهای روس طبق دستورات عمومی يك قسمت از راههای سوق الجبشی میدانهای جنگ را طی نموده به نزدیکهای هدفهای معینه واصل شده اند. یعنی ستون سوم بجنگگاه شوره گیل قدم گذارده، در حوضه شرقی رودخانه آریا جای (خطی میرسد که بگصدتقرسوار سرحدی ایران احداث نموده بوده اند) بسیار ضعیف و قابل اعتنا نبود. باین ترتیب در طی چند روز در جلو ستون اول روس به جز زد و خورد های محدود و معطلی اتفاقی رخ نمی‌نماید.

ستون دوم در شمال قلعه شوش مانده...

ستون اول از رود (کر) عبور کرده به منطقه شمالی طالش

و سواحل غربی دریای خزر وارد شده بود.

وضعیت نیروی ایران در آوانی که ارتش روس دو قفقازیه جنوبی

بطرف حوضه ارس پیش می‌آمد، ارتش ایران

هنوز با تجهیزات و تمرکز و تحشیدات اشتغال داشت. دو واحد بزرگ

که تومان اول نخجوان و تومان دوم تبریز باشند، در اواخر ماه محرم

از آب ارس عبور کرده تومان دوم در شمال نخجوان اردو زده و تومان